

ویژگی های نگارش خوب و شیوا نویسی !! Significance of influential and flowing writing

تتبع و نگارش : نصرالدین شاه پیکار



۳۰ دلو ۱۳۸۹

اگر به واقعیت های زمان باستان، زمانه های دوره سده میانه و شرایط کنونی از دید گاه نیازمندی های انسان به خوانش و نگارش جهت معرفی بهتر و بیشتر زندگی انسان ها، نظر اجمالی اندازیم، دیده شده است که خوانش و نگارش به ویژه نگارش خوب، شیوا و قابل فهم، دو پدیده نهایت ضروری در زندگی روزمره انسان ها بوده و با نیاز های روزگار آنها همراه و هم همسفر بوده است. گذشته از اصول و شیوه های ثابت اعتقادی و برخی احکام عملی که در هر روزگاری پا بر جا و استوارند، دیگر اصول و فروع را باید با تناسب نیازمندی ها و مقتضیات زمان دریافت کرد و به خواننده ها و بازدید کننده ها انتقال داد.

یک نوشته خوب پیش از گونه یابی و استوار شدن، مخاطب خود را باید ارزیابی نماید. برخی از نیازمندی های هر مخاطب فطری هستند، به این معنی که پاسخ گویی به آن تعهداتی است که ما خود را در برابر آنها مسئول قرار دادیم. در هر نوشته خوب خواننده باید پاسخ نیاز های فطری، ذهنی، عقلانی، اجتماعی و قشری خود را دریابد، بدون آنکه علمی باشد، احساسی باشد، داستانی، تفریحی و یا سیاسی. از این سبب پیش از دست بردن به قلم باید بدانیم که:

- برای چه کسانی می نویسیم و خواننده های ما از دیدگاه شخصیت فردی، اجتماعی، اقتصادی، روانی، سیاسی و عقیدتی در کدام حالت قرار دارند و هدف از این نگارش در برابر آنها از چه قرار است؟

- خواننده های ما در شرایطی که این نگارش را در اختیار آنها میگذریم تا از آن مستفید شوند، دارای چه نیاز های فطری، ذاتی و روانی هستند؟
- شیوه های پاسخ گویی ما در برابر آن نیاز ها چگونه باید باشد؟
- آن شیوه را چگونه با قالب و زبان نگارش و گفتار همانگ سازیم؟

نوشته خوب هم بر پایه قواعد شناخته شده ادبی استوار باشد و هم زیبا و شیوا جلوه کند. درستی، سلامتی و صحت سخن در دانش های دستور زبان، واژه نامه، لغت نامه بافت شناسی نگارش، و ساختار شناسی آن ارزیابی می شود. از همین سبب نوشته درست باید با معیار های این چهار دانش در مطابقت و موافقت، قرار گیرد. برای شیوا نویسی (فصیح و بلیغ نویسی)، راهکار هایی وجود دارند که در دانش های معانی، بیان بدیع، و سبک و شیوه شناسی مورد مطالعه قرار می گیرند. آموزش شناخت قواعد و دساتیر درست نویسی، برای نویسنده شدن کافی پنداشته نمیشود، اما بدون تردید لازمی است.

درست نویسی دستوری و درست نویسی واژگان، به شمول گزینش درست واژه ها، نیز یکی از پایه های اساسی سیستم و شیوه نگارش است تا باعث فراهم آوری اسباب سهولت خوانی برای خواننده گردیده و از جانبی هم نویسنده را در راه زندگی روز وارش، تا حدی رهنمون و مورد تشویق و ترغیب تلاش و مساعی همه جانبه و جهش سازنده در راستای طرز تفکر و بینش آن گردد.

یکی از شیوه های مضر و نارسا در نگارش ها فقط تقلید محض و خشک از یک زبان بیگانه در گزینش و جابجا سازی واژه ها، واژه نامه و عباره ها است، و آن در حقیقت آن شیوه ای از تقلید است که با فرهنگ، تهذیب و زبان گفتار و نوشتار ما هیچگونه سازگاری و سازواری ندارد. در این گونه نگارش ها در حقیقت نویسنده از قوانین و دساتیر زبان قومی یا ملی خود آنگونه که لازم باشد آگاهی ندارد، و بخاطر آنکه چیزی را به نگارش گیرد، دانسته یا نا دانسته در حقیقت قوانین و دساتیر زبانی و دستوری و ساختاری زبان خارجی و بیگانه را بر زبان خود و زبان مردم خود، جبراً تحمیل می کند که باعث شکست زبانی و هم برای خواننده هیچگونه لذت خوانش و اخذ مفهوم و معنی را نیز به آفرینش نمی گیرد. این آفت در زبان های ملی ما بعد از آنکه فرآیند آموزش هموطنان و شهروندان کشور ما به کشور های خارجی برای کسب آموزش آغاز گردید و هم به نسبت تغییر شرایط مناسبات اجتماعی و سیاسی علاقه مند آموزش زبان های خارجی شدند، به میان آمد، و آرام آرام این پدیده های ناخواسته در همه اجزا و

ابعاد فرهنگ، اندیشه و زبان گفتار و نگارش ما رسوخ نمود. سیلی از ترجمه های غیر اصولی، خشک، تحت الفظی، وبدون معادلت زبانی بیشتر به این آفت کمک رساند و سر انجام زبانی را به نسل امروز تحویل می دهد که هر گوشه و کنارش از تقلید و پیروی کورکورانه ، سخن می گوید.

اصول گزینش واژه ها و عباره

هر واژه و عباره در ذات خود ترجمه وجودی ذهنی است، و تناسب میان آن دو بر پایه رابطه های معین و قابل پذیرش استوار است. اما پس از این مرحله، یعنی برگرداندن آن وجود ذهنی به یک واژه، مرحله ای مهم تر فرا می رسد که عبارت است از " گزینش بهترین ترجمه و درست ترین و زیبا ترین واژه". در این مرحله است که نویسنده خود را با چند واژه برای یک مفهوم رو به رو می بیند، در حالی که تنها یکی از این واژه ها دقیق تر، اصیل تر، زیبا تر، و استوار تر است، و نویسنده یا مترجم خوب کسی است که این زیبا ترین و بهترین را پیدا کند و به گزینش آن اقدام ورزد.

معیار درستی واژه نامه های معتبر، ذوق ادبی و کار برد های مناسب و بهنجار است. در این میان، گویش مردم کوچه و بازار یا فلان شاعر و نویسنده، به تنهایی هرگز اعتبار ندارد. به ویژه باید توجه کرد که اگر نویسنده یا شاعری بزرگ واژه ای نادرست را به کار برده باشد، معیار درستی آن واژه نخواهد بود، بلکه این واژه باید با نظام رسمی و سیستم نگارش تاریخی این زبان در مطابقت و مناسبت دقیق قرار گیرد. واژه باید با زبان رسمی و کاربردی هماهنگ و با و قوانین نگارشی آن در سازگاری قرار داشته باشد. هر واژه باید آن قدر صیقل، آرایش و پیرایش داده شود و ظریف گردد که کاملاً در ظرف معنی به گونه درست و بدون فشار گزینش پیدا کند، یعنی اینکه لفظ و معنی باید دارای هماهنگی درست و بدون تردید با هم باشند.

واژه ها نه باید فنی و خاص باشند و نه هم عامیانه، مگر آن که سبک این چنین اقتضا کند. باید در هر نگارش حد اعتدال و تناسب قوای واژگانی رعایت شود تا مخاطب با واژه های نوشته شده قبلی به راحتی و آسایش فکری ارتباط بر قرار کند. همین جا لازم است اشاره کنیم که یکی از آفات گویندگی و نویسندگی، به کار گیری واژه های خاص و اصطلاحی است، که اکثر مردمان با وجود آنکه دارای سطح درست تعلیم و آموزش هستند، باز هم نمیتوانند با واژه های اصطلاحی، تیوریکی، حرفوی و مسلکی ویژه، ذهن شان را هنگام خوانش سیاق و متون دست داشته، روشن بسازند. واژه های یک متن

باید به گونه ای کنار هم قرار گیرند که خوش آهنگی در آنها به مشاهده رسد و آهنگ آنها نرم و لطیف در جمله جاری باشد، تا توان مندی واژه ها و عباره های نگارش یافته به مشاهده رسد.

در هر زبان واژه‌های محدود وجود دارند، اما این محدودیت هرگز باعث نمیشود که نویسندگان در بکارگیری آن‌ها احساس محدودیت کنند. هرچند واژه‌ها محدود، مگر نیروی آنها نامحدود و نهایت گسترده است. "بی تردید، زبان فارسی - دری از نظر استعداد ترکیبی، یکی از مستعدترین زبان‌های عالم است. از این سبب، شاید آن را بتوان به جریان زندگی در وجود یک جنگل کوهستانی تشبیه کرد که شاخسارهای جوان هر درختش از هوایی پر از تری و سرشار از تازگی، پیوسته جوانه می‌زند و ریشه‌اش از منابع پایان‌ناپذیر زمین نیرو می‌گیرد و به جای هر درختی که فرو افتد چندین نهال سر بر می‌کشد تا خود را به خورشید برساند" (مهرداد اوستا)

مهمترین راهکارهای شیوا نویسی و نگارش ادبی:

- روانی و زلالی در نوشتارها.
- پیوند گسست‌ناپذیر میان واژه‌ها و معانی آنها.
- درست نویسی املائی و انشائی.
- تنظیم و ترتیب منظم پاراگراف‌ها.
- رسایی و گویایی در نوشتارهای افراد.
- خوش آهنگی در نوشتار حفظ سلیقه در نوشتار.
- تنوع، رنگارنگی و پلورالیسم واژگانی و تعدد گرایی در عباره‌ها.
- دلنشینی و شیرینی در ساختار و بازتاب واژه‌ها و عباره‌ها.
- تازگی و تراوت زبانی و لفظی از دیدگاه خواننده و نویسنده.
- سرشاری، پرباری، سازگاری و سازواری در ساختار و گزینش واژه‌ها.

روانی و زلالی: تفکر و اندیشه نوعی گفتمان پنهانی است که به یاری واژه‌ها در ذهن انسان‌های صورت می‌پذیرد. از این جهت، هر چه دامنه دانش واژه‌ها و لغت‌های یک نویسنده گسترده‌تر باشد، تسلط او بر بیان افکار خویش بیشتر است. حتی دو واژه را نمی‌توان یافت که مفهومی کاملاً یکسان داشته باشند. همواره اختلافی ناچیز

میان دو واژه مترادف وجود دارد که در گزینش واژه مطلوب تر دخیل است. نویسنده باید در این اختلاف ها دقت کند و کلمه ای را انتخاب کند که قالب منظورش باشد. روانی و زلالی یک نوشته بستگی به مسایل زیر دارد:

- بکار گرفتن واژه های مأنوس، روان و سلیس.
- کار برد عباره های ساده و کوتاه.
- پرهیز از کار برد واژه ها و کلام پیچیده و مغلق.
- بکار نبردن واژه و جمله های معترضه ، جز به هنگام ضرورت.
- به کار نگرستن اصطلاح ها و تعبیر های گنگ و ابهام آفرین.
- پرهیز از نا هنجاری و ضعف تألیف و ترجمه.
- دوری از " دراز نویسی خسته کننده"،
- دوری از " کوتاه نویسی آسیب زننده و دشواری آفرین.

پیوند واژه ها و معانی : لفظ و معنی دو روی یک سکه هستند و نمی توان آنها را از هم جدا کرد. لفظ و معنی را به تیغ نیز نتوان از هم برید. آنگونه که گفته شده است: **کیست "صائب"**، تا کند جانان و جان را از هم جدا؟ . کسی که جهان را تیره و تار می بیند، با زبانی آن را وصف می کند که رنگ بد بینی و غبار اندوه دارد. مثلاً :

" از میان همه تعبیر های ممکن در بیان باز گذاشتن در اتاق " صادق هدایت"، این را برگزیده است: دیدم عموم رفته و لای در اتاق را مثل دهن مرده باز گذاشته بود". این زبان بدبینانه و تاریک با موضوع کتاب " بوف کور"، و نیز نگرش هدایت کاملاً سازگار است.

از گرفتاری های رایج میان دانش آموزان تسلط نداشتن بر دانش املا است. همان قدر که " درست نویسی املائی"، به یک نوشته اعتبار می دهد، به همان اندازه " غلط نویسی املائی"، نشان دهنده بی دقتی و سهل انگاری نویسنده را نشان دهنده است.

آجل - آینده	اثم - گناه	اسیر - گرفتار	آثیر - گلوله آتش
عاجل - شتابنده	اسم - نام	عصیر - شیره	عَسیر - دشوار
آمر - امر کننده	ارض - زمین	الم - درد	آلیم - دردناک
عامر - آباد کننده	عرض - پهنا	عَلَم - پرچم	علیم - دانا
آمل - آرزو	انتساب- نسبت	انتقاً - نابود شدن	بحر - دریا
عمل - کار	انتصاب - گماشتن	انتفاع - نفع بردن	بهر- حرف اضافه

تعریف و تنظیم پارا گراف (بند) : " بند"، یا پارا گراف کوچکترین واحد ساختاری یک نوشته است. بند تنها مجموعه ای از جمله ها نیست، بلکه در حقیقت ، مجموعه ای است از افکار و مطالبی که نویسنده در ذهن خود دارد. بند انشای فشرده ای است که نویسنده اندک اندک آن را گسترش می دهد تا به صورت نوشته کلی در آید. کوتاهی یا بلندی هر بند، تابع اندیشه ها و روش نویسنده در گسترش آن هاست. معمولاً هر قدر موضوع نگارش پیچیده باشد، بند ها طولانی تر می شوند. اصولاً باید هر بند را با عبارتی آغاز کرد که به انتقال اندیشه از بند قبلی به بند بعدی کمک کند. در تنظیم بند ها، دو عامل بسیار سودمند و مؤثرند: یکی داشتن رعایت نظم و ترتیب در تفکر و استدلال، و دیگری مراعات صورت ظاهری نوشته. هنگامی که اگر خواننده به انبوهی از جمله های پیاپی نگاه کند ، سر درگم میشود. اما اگر همین نوشته را به بند هایی تقسیم کنیم، فهم مطلب را برایش آسان تر می سازد. در هر پارا گراف، عبارت ها و اندیشه های طرح شده در آن عبارت ها باید دارای نظم و آراستگی خاص باشند، به شکلی که از نظم آن ها بتوان به اهمیت و جایگاه هر کدام پی برد. همین نظم و آراستگی است که جذابیت مطلب را افزایش می دهد و سبب می شود که پیام به روشنی و آسانی در دسترس خواننده قرار گیرد.

هر پارا گراف باید تمام و کامل باشد، یعنی اینکه اندیشه اصلی پارا گراف در آن به خوبی آورده شود و درست قابل مشاهده و بررسی باشد. هر پارا گراف یک **" هسته"** دارد که با عباره های بنیادین بیان می شود. این **" جمله اصلی و بنیادین"**، معمولاً در آغاز و گاه در پایان پارا گراف می آید. بقیه پارا گراف در حقیقت، گسترش و تکمیل همین **" جمله بنیادین"** است. بدین ترتیب، جمله های پارا گراف باید همگی بر محور **" هسته"**، بچرخد. تعداد پارا گراف های یک نوشته به حجم مطالب بستگی دارد. در این پارا گراف ها تنها مواردی آورده می شوند که مضمون واحد داشته باشند، و هر نکته باید در جای خود قرار گیرد تا زنجیر کلام بی نظم و گسسته جلوه نکند. میان پاراگراف ها نیز باید پیوستگی کامل باشد تا خواننده همگام با نویسنده به گونه موازی و مساوی پیش برود. معمولاً در آغاز هر پارا گراف، کلمه یا عبارتی می آید که مضمون آن را به خواننده بفهماند و او را آماده این انتقال نماید.

رسایی و گویایی در نوشتار : رسایی و گویایی یک نوشته، هنگامی حاصل می شود که بتوانیم معنا را خوب بیرووریم. راه های پرورش معانی در زبان فارسی، متفاوت و نهایت گسترده هستند، مانند: **توصیف ، تشبیه، استعاره، کنایه و غیره.** خوش آهنگی واژه های یک متن باید به گونه ای کنار هم قرار گیرند که صدای خواننده بی اختیار آهنگین

شود. البته گونه نوشته و موضوع سبک آن در گزینش این آهنگ بسیار نقش دارد. مثلاً برای نوشته های عارفانه و عاشقانه، باید آهنگی نرم و لطیف در جمله جاری باشد، و برای نوشته های حماسی باید از آهنگی هیجان انگیز و شور آفرین استفاده کرد.

دلنشینی و شیرینی یک نگارش: برای ایجاد دل نشینی و شیرینی در نگارش یک اثر، نویسندگان راه های گوناگون دارند. رایج ترین و پر اثر ترین آنها، در واقعیت امر استفاده از فنون و شیوه های بدیع و بیان در نوشته آثار و آفریده ها است. در این روش، صناعی به نویسنده آموخته می شود که با آن ها می توان کلام را آراست و دلنشین ساخت. در استفاده از این صنایع باید به دو نکته توجه نمود. اول اینکه زیاد تر از اندازه در اثر به کار گرفته نشوند، و دیگر آنکه طبیعی و هنر مندانه به کار گرفته شوند، به گونه ای که خواننده، نوشته را تصنعی، دشوار آفرین و تکلیف آمیز نبیند.

تازگی و طراوت در نوشتار: نویسنده توانا همواره سعی می نماید که از سبک های امروزی، واژه ها و نام واژه ها، به نویسه های درست، تعبیر های تازه و ساختار های مناسب، استفاده کند. بخاطر آنکه زبان به مثابه قرارداد اجتماعی و پدیده عامل مفاهمه و مکالمه، با گذشت زمان مانند امور زندگی اجتماعی، هموار در تغییر و تحول است. هنگامی که رنگ و بوی طراوت تازگی در یک نوشته باشد، خواننده مانند یک منتقد سالم اندیش و سازگار، بعضاً از برخی عیوب دیگر هر نوشته که تا حدی باعث آفرینش فهمش نادرست نگردد، چشم پوشی خواهد کرد.

بسیاری از مشتاقان نویسندگی همواره می پرسند: از کجا باید آغاز نمود؟ آیا هر کسی می تواند نویسنده شود؟ آیا هر کسی می تواند شیوا و خوانا بنویسد؟ می توان گفت که برای نویسنده شدن باید هم ذوقی نهفته داشت، هم آن را باید بازیابی کرد، و هم باید با تمرین و مشق مستمر این ذوق را به پرورش گرفت. پس برای نگارش چه باید کرد؟

خواندن و اندیشیدن: هر نویسنده ای باید هر روز صفحه ای به صفحه خواننده خود بیفزاید و روز های این رویه را با پشتکار ادامه دهد. این که چه بخوانیم، تابع آن است که بیشتر به کدام موضوعات علاقه داریم. اما نباید فراموش کرد که یک چیز برای همه نویسندگان ضروری است: خواندن آثاری که شاهکار های ادبی محسوب می شوند. در این میان نقش "شعر نو"، آثار منثور نویسندگان و شخصیت های معروف و مجتهدین راه حقیقت و حقانیت، ادبا، فضلا و فرهیختگان جمع گرا، تعدد پسند و انسان سالار، امروزی به شمول آثار کهن، باستانی، که نباید بدست فراموشی سپرده شوند، نیز به

صورت حتم مورد بازرسی و مطالعه قرار داد، با وصف آنکه در مورد پیدایش و عوارض هنر و هنر مند امروز شاید بسا سوالات هم در ذهن شما خور کنند.

نوشتن و نوشتن و نوشتن: فراموش نکنید که اگر نویسنده حتی یک روز هم از قلم زدن دست کشد، ذوق هنری خود را به اندازه همان یک روز دچار افسردگی می کند. نکته مهم این است که هر گز صرفاً منتظر سفارش کار نگارشی نباید باشیم. بخشی از زندگی هنرمند باید وقف گرایش های هنری و نوشتاری اش شود، حتی اگر در لحظه کسی مشتاق و ذوقمند آثارش هم نباشد.

رعایت مراحل نگارش: اولین چیزی که در نگارش لازمی است، طرز تفکر و بینش یک انسان است. بعد آن طرح مسئله است. طرح آن چهار چوبی است که برای یک نوشته که در آن چشم انداز آینده نویسنده روشن می شود. مسئله دیگر دسته بندی و گرد آوری معلومات و اطلاعات است. در قدم بعدی تهیه و تدارک سیاهه و دستنویس آزمایشی است. در این سیاهه آزمایشی، مطالب به ترتیب زمان و مکان تهیه و تدارک دیده میشود و به حسب دسترسی به منابع، بر روی برگه کاغذ می آیند، بی آنکه در باره تقدم و تأخر یا کلیات و جزئیات آن تصمیم اتخاذ گردد. به تعقیب تهیه و تدارک سیاهه نهایی است، که در این سیاهه پس از تأمل و باز نگری کافی، هم در ترتیب و مطالب تجدید نظر می شود و هم برخی از مطالب غیر لازمی و ضروری حذف می گردد. بعد آن تهیه پیش نویس است، که در این مرحله، سیاهه نهایی قلمی می شود، یعنی تبدیل به یک نوشته منسجم می شود و قواعد خاص نگارش و ویرایش در آن، اعمال میگردد. به تعقیب آن نقد و نظر باز بینی است، که نویسنده خوب همواره از شتاب می پرهیزد. یکی از اصول پیشرفت در نویسندگی، همین است که نویسنده مرتباً خود را محک زند و پس از تهیه پیش نویس، آن را به دقت باز بینی کند و نقائص کار خود را پیدا کند در صورت نیاز، با اهل نظر به مشوره بپردازد.

چیز دیگری که در فرآیند نوشتار و مرحله نهایی کاری به میان می آید و مطرح می شود، ویرایش است. اگر نویسنده ای توان ویرایش دارد، می تواند ویراستار اثر خود باشد. اما معمولاً بهتر است که حتی نویسندگان توانا، آثار خود را به قلم ویراستار دیگری بسپارند، ویراستاری توانایی خود را در این زمینه به اثبات رسانیده باشد.

پرسش های نهایت مهم قبل از نگارش: هر نویسنده باید پیش از دست به قلم بردن، به این چهار پرسش اساسی پاسخ دهد و به تناسب پاسخی که برای آنها می یابد، کار خود

را آغاز کند. اول باید بداند که چه می نویسم؟ در این مرحله باید موضوعی را برای نگارش خود بخوبی بشناسد و قلمرو آن را معلوم و آشکارا سازد. دوم باید از خود بپرسد که چرا می نویسم؟ آیا در پی اثبات مدعایی هستم و یا وصف رویدادی یا گزارش تجربه ای را به نگارش می گیرم؟ این در زبان نگارش و شیوه داخل شدن به بحث و نتیجه ی آن کاملاً اثر می گذارد. سوم باید بداند که برای که می نویسم؟ مخاطب خود را، خواه حاضر و خواه غایب، خوب بشناسد و مقتضیات روحی او را بفهمد و آن گاه است که باید دست به قلم ببرد. چهارم باید بداند که در چه وضعیتی می نویسم؟ وضعیت ما و روزگار ما چه اقتضا می کند، یعنی اینکه باید مطابق شرایط زمان و مکان بنویسد، و برای انجام کار خویش چه اندازه مهلت دارد، اثر خود را در چه محیطی به دست مخاطب قرار می دهد؟

هر نویسنده ای زمانی به تحقیق و پژوهش نیاز پیدا می کند، بسیاری از نوشته های علمی و تحلیلی و گزارشی و جز آن ها نیاز مند پژوهشند. یک پژوهشگر باید مراکز و موارد تحقیق را حضوراً مورد بررسی قرار دهد. یک پژوهشگر باید با مطالعه مآخذ و منابع به تحقیق بپردازد. در باره این شیوه، قدری باید سخن بگوید. یک پژوهشگر باید به هنگام مطالعه یاد داشت برداری کند. برای این کار، روش های گوناگونی وجود دارند. مثلاً می توان به هنگام مطالعه یک مآخذ روی برگه ای آن نکات مهم مورد استفاده را یاد داشت کند، و پس از تکمیل مطالعه مآخذ آن نکات را روی برگه های خورد، یاد داشت نماید. این برگه ها معمولاً به صورت چاپی و دارای این اطلاعاتند که خوب است با دقت تکمیل شوند.

در برگه ها باید به قدر امکان، مطالب را جامع و در عین حال مختصر نوشت. نیز بکوشید جز در موارد ضروری، عین مطالب مآخذ را نیاورید، بلکه قلم خود را در بازگردان مطالب به کار گیرید تا نوشته تان بی روح و خشک، و از آن مهم تر نا هم آهنگ جلوه نکند، چرا که مآخذ گوناگون فضا ها و سبک های متفاوت دارند.

گر شود مشحون زحسن فکر نوشتارت همیشه
دوست را مسرور سازی دشمنت را دل پریش